

مفهوم، مصادیق و آثار ناشی از اضطرار در حقوق ایران و فرانسه

کیمیا زینی وند

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد

چکیده

معامله اضطراری در اصطلاح حقوقی ناظر به موردی است که شخص به واسطه فشاری که از درون، در اثر وضع اقتصادی یا اجتماعی یا به هر علت دیگری به وی وارد می‌شود، اقدام به انعقاد قرارداد می‌نماید. حقوقدانان نخستین شرط صحت معامله را قصد و رضای طرفین دانسته و مباحثی در خصوص فقدان قصد و رضا یا مخدوش بودن آن مطرح کرده‌اند. از جمله این مباحث اکراه است و به تبع آن بحث از اضطرار و معاملات اضطراری به میان می‌آید. آن چه از مجموع نظرات فقها و حقوقدانان استنباط می‌شود این است که معاملات اضطراری ماهیت متفاوتی نسبت به معاملات اکراهی دارند و برخلاف معاملات اکراهی که غیر نافذ هستند، اینگونه معاملات صحیح تلقی می‌شوند. اما باید بین دو نوع از معاملات اضطراری تفاوت قائل شد: نوع اول معاملاتی هستند که در آن شخص با توجه به وضعیت اقتصادی خود وادار به معامله می‌شود، بدون این که از وضعیت اضطراری او استفاده ناروایی شده باشد. مورد دیگر جایی است که طرف قرارداد وضعیت از مضطر آگاه است و از آن سوء استفاده می‌کند و از این طریق شروط یا قیمتی را به شخص تحمیل می‌کند که در حالت عادی هیچ فروشنده یا خریداری حاضر به انعقاد چنین قراردادی نیست. نظر فقیهان مبتنی بر صحت قرارداد ناظر به مورد اول است که از اضطرار فرد سوء استفاده ای نشده است. اما باید بین مورد اول و دوم فرق نهاد و در معاملاتی که در آن از وضعیت اضطراری شخص سوء استفاده شده، با توجه به اصول و قواعد حقوقی از شخص مضطر حمایت کرد و اینگونه قراردادها را قابل تعدیل دانست چرا که برای اضطرار در امور کیفری اثر بار می‌کنیم. یعنی یکی از عوامل رافع مسولیت کیفری می‌باشد. ولی در امور حقوقی بر اضطرار اثری بار نمی‌کنیم. مطابق ماده ۲۰۶ قانون مدنی (اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر و صحیح خواهد بود). مثلاً؛ شخصی بر اثر فقر یا جهت معالجه خود یا یکی از بستگان نزدیک یا جهت ادای دین، نیاز فوری پیدا نماید و به ناچار مال خود را پایین تر از قیمت واقعی بفروشد.

واژه‌های کلیدی: اضطرار، حقوق ایران، حقوق فرانسه، قصد و رضای طرفین

مقدمه :

اضطرار از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای حالت شخصی است که ناگزیر از اختیار میان دو امر است که یکی از آن دو ارتکاب جرم است. از منظر اسلامی، ارتکاب گناه جرم که حرام و منکر شناخته شده در حالت اضطرار و ناچاری مباح و جایز و در پاره‌های موارد واجب می‌گردد و چنین شخصی مبری از مسلیوٓت کیفری است. اضطرار را در لغت به ناچاری، درماندگی، لاعلاجی، ناگزیری، احتیاج و جبر تعریف کرده‌اند. همچنین بیچارگی کردن و نیز سختی در انجام امری را اضطرار گفته‌اند. کلمه اضطرار در اصل از «ضرر مشتق» شده است که در این قالب، لزوم و جوب، نیاز حاجت، الزام و بایسته است. در ترمینولوژی حقوق در مورد مفهوم اضطرار گفته شده است قاعده اضطرار، از مهمترین قواعد فقهی حقوقی است. اضطرار، صفتی است که در اثر شرایط تهدیدآمیز غیرقابل تحمل، مرتکب را به سوی فعل نادرست می‌کشاند، برخی دیگر از حقوقدانان بر این باورند که اضطرار، فشاری است که در اثر وضعیّت و شرایط داخلی حاصل می‌گردد (شهیدی، ۱۴۰۰: ۲۱/۱). حالت اضطراری، آن چنان وضعی است که انسان برای حفظ جان و مال و عرض خود و دیگری ناچار از ارتکاب جرم است مانند نوشیدن شراب برای حفظ جان یا شخصی که برای رفع گرسنگی گرده نانی از جلو نانوائی ربوده است یا سقط جنین برای نجات جان مادر قبل از دمیده شدن روح یا درخانه‌ای که آتش سوزی رخ داده برای نجات دادن بچه‌ای، در یا پنجره خانه دیگری را تخریب می‌کند و او را نجات می‌دهد. به بیان دیگر، حالت اضطرار که می‌توان با تسامح از آن به ضرورت نیز تعبیر کرد وقتی ایجاد می‌شود که شخص در معرض خطری شدید قرار می‌گیرد که او مشخصاً تهدید می‌کند و امکان دارد به حکم ضرورت عمداً مرتکب عمل مجرمانه‌ای شود، به خاطر این که یا خود از این خطر رهایی یابد و یا دیگری را از آن نجات دهد (شهیدی، ۱۳۹۷: ۱۹۴/۱-۲۴۴).

گفتار اول : اضطرار

اضطرار در لغت به معنی ناچار و درمانده شدن می‌باشد. و معامله‌ی اضطراری در اصطلاح حقوقی ناظر به موردی است که شخص به واسطه فشاری که از درون، در اثر وضع اقتصادی یا اجتماعی یا به هر علت دیگری به وی وارد می‌شود، اقدام به انعقاد قرارداد می‌نماید. بعنوان مثال، گاه ممکن است شخص به واسطه بیماری سختی که فرزندش دارد، حاضر به فروش خانه‌اش به قیمت نازلی گردد تا بتواند هزینه‌ی مداوای فرزندش را فراهم آورد. چنین معامله‌ای، اگر چه مقرون به رضایت قلبی و باطنی فروشنده نیست؛ ولی به حکم ماده‌ی ۲۰۶ قانون مدنی، صحیح و معتبر است و موجب انتقال مالکیت مورد معامله، از فروشنده به خریدار می‌شود. (بهرامی احمدی، ۱۳۸۶، ص ۶۷)

از مجموعه تعاریف لغوی اضطرار، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اضطرار حالت و وضعیت زیانباری است که انسان برای گریز از آن، ناچار، تن به حالت و وضعیت زیانبار دیگر می‌دهد. بدین ترتیب می‌توان گفت معنای لغوی اضطرار، جدای از مفهوم حقوقی آن نیست، اگرچه در حقوق موضوعه ایران، تعریف صریح و شفافی از اضطرار به عمل نیامده و صرفاً به تبیین احکام و آثار بعضی از اعمال اضطراری بسنده شده است؛ مانند ماده ۲۰۶ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «اگر کسی در نتیجه اضطرار، اقدام به معامله کند، مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود. در حقوق کیفری نیز با اینکه برخی از آثار و احکام مربوط به اعمال اضطراری بیان گردیده است ولی تعریفی از مفهوم اضطرار در قوانین جزائی ارائه نشده است. عدم تعریف مشخص از مفهوم اضطرار در قوانین مدون، عاملی بوده است که حقوقدانان در بررسی این نهاد حقوقی، اهتمام ویژه‌ای نمایند که البته برخی از ایشان در این وادی ناکام مانده و با ملاحظه‌ی کثرت بی شمار حالات و مصادیق اضطرار، ارائه تعریف دقیق از آن را بعید و دست نیافتنی دانسته‌اند.

گفتار دوم : آثار حقوقی اضطرار در حقوق ایران

قانون مدنی ایران در بحث عیوب اراده برخلاف اکراه که رضای حاصل از آن را در ماده ۱۹۹ موجب عدم نفوذ معامله می‌داند در ماده ۲۰۶ به صراحت مقرر می‌نماید: «اگر کسی در نتیجه اضطرار، اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود»؛ لذا مطابق حکم مقرر در قانون مدنی معاملاتی که در نتیجه اضطرار ایجاد می‌گردد صحیح و نافذ است. به طور مسلم، چنین معامله‌ای که در نتیجه فشار اهرم اضطرار انجام شده و منجر به بهره‌کشی از وی می‌شود، مورد پذیرش قانون مدنی و نویسندگان واقع نمی‌شود، بنابراین چنین معامله‌ای صحیح و معتبر نمی‌باشد (نوروزی، ۱۳۸۰: ۶۳).

اضطرار در حقوق مدنی، در دو بخش قابل طرح و بررسی است، یکی در بخش مربوطه به «اعمال حقوقی» مانند اضطرار در معاملات و قرار دادها و دیگری در بخش مربوط به «وقایع حقوقی» مانند اضطرار در مسئولیت مدنی (ضمان قهری) مطالعات و تحقیقات به عمل آمده در حوزه حقوق مدنی راجع به اضطرار، عموماً مربوط به اضطرار در قرار دادها و معاملات است که عمدتاً بر محور تشریح و تجزیه و تحلیل ماده ۲۰۶ قانون مدنی دور می‌زند در این ماده آمده است :

«اگر کسی در نتیجه اضطرار، اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطرار معتبر خواهد بود. حکم ماده مذکور، حقوقدانان را بر آن داشته است که در زمینه تفاوت‌های بین اضطرار و اکراه بررسی‌هایی را به عمل آورده و با تعیین حوزه هر یک از آنها احکام و آثار مربوط به آنها را بیان نمایند با این حال عده‌ای از آنان برای پیشگیری از نتایج غیر عادلانه‌ای که ممکن است در معاملات اضطراری متوجه مضطر باشد، دایره مفهوم اکراه را توسعه داده و اضطرار متوجه مضطر باشد دایره مفهوم اکراه را توسعه داده و اضطرار را در برخی موارد مصداقی از مفهوم اکراه تلقی نموده‌اند تا بدین طریق برای شخص مضطر این امکان فراهم گردد که از معامله‌ای زیانبار و غیر عادلانه که با سوء استفاده از وضعیت اضطراری او انجام گرفته است، رفع اثر نماید چنین تحلیلی با وجود ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران (مصوب) دارای توجیه حقوقی قانونی نیز می‌باشد زیرا به موجب این ماده هر قرار داد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تاثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیر عادلانه باشد ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین به وسیله دادگاه باطل یا تغییر داده شود.

در هر حال نباید از نظر دور داشت که حکم ماده ۲۰۶ ق.م که معاملات اضطراری را معتبر شناخته است. در واقع برای رعایت حال مضطر است؛ زیرا در صورت بطلان معاملات اضطراری کسی حاضر به معامله با شخص مضطر نمی‌گردد و این خود وضعیت مضطر را به مراتب مشکلتر و پیچیده تر می‌سازد، در حالی که معتبر دانستن معاملات اضطراری می‌تواند راه گریز مهمی برای مضطر محسوب گردد تا بدین وسیله ضرر یا خطر مهم‌تری را از خود دفع نماید.

راجع به اضطرار در حوزه مسئولیت مدنی نیز تعاریفی ارائه شده است که کسی عملاً ولی برای اجتناب از ایراد زبانی بزرگتر، به دیگری خسارت وارد می‌کند. اضطرار حالتی است که در آن شرایط و اوضاع و احوال خارجی به نحوی است که مضطر بدون اینکه توسط کسی مورد تهدید یا فشار قرار گیرد، با قصد قبلی و بدون رضایت واقعی و علیرغم میل باطنی خود تحت تاثیر شرایط و مقتضیات موجود به قبول تعهد یا انجام عملی مبادرت نماید. اضطرار حالتی است که در آن شرایط و اوضاع و احوال خارجی به نحوی است که مضطر بدون اینکه توسط کسی مورد تهدید یا فشار قرار گیرد با قصد مقتضیات موجود به قبول تعهد یا انجام عملی مبادرت نماید. حالت اضطرار، حالتی است که در آن شرایط و اوضاع و احوال خارجی به گونه‌ای است که مضطر علیرغم میل باطنی خود خساراتی را به وجود می‌آورد تا شاید از وقوع خسارت مهمتری به خود یا دیگری جلوگیری نماید.

بند اول : تفاوت معامله‌ی اضطراری و معامله‌ی اکراهی

اکراه در لغت به معنی "کسی را به زور به کاری واداشتن است" و در اصطلاح حقوقی عبارت است از "فشار مادی یا معنوی نامشروعی که به وسیله‌ی کسی برطرف معامله وارد گردد تا او را وادار به انعقاد قرارداد کند. بعنوان مثال گاهی ممکن است کسی، دیگری را تهدید کند که اگر خانه‌اش را به قیمت نازلی به وی نفروشد، فرزندش را گروگان خواهد گرفت. شخص تهدید شده نیز برای جلوگیری از عملی شدن این تهدید، به ناچار خانه‌ی خود را به طرف مقابل می‌فروشد. چنین معامله‌ای به استناد مواد ۱۹۹ و ۲۰۳ و ۲۰۹ ق.م نمی‌تواند موجب انتقال مالکیت مورد معامله از فروشنده به خریدار شود. مگر اینکه شخص تهدید شده بعد از برطرف شدن تهدید و خطر، رضایت خود را نسبت به معامله مذکور اعلام نماید. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۶۷)

حال اینکه، فشار وارده بر شخص در معامله‌ی اضطراری، در نتیجه‌ی وضع اقتصادی یا اجتماعی یا علت دیگری است، که به هیچ وجه با معامله‌ی واقع شده، ارتباط مستقیمی ندارد. برخلاف معامله‌ی اکراهی، که در آن هدف اکراه کننده، مستقیماً انجام معامله می‌باشد.

این تفاوت با ذکر یک مثال، کاملاً ملموس و عینی می‌گردد. فرض کنید آدمربایی فرزند شخصی را ربوده و از او در خواست مبلغ هنگفتی پول می‌نماید. شخص مذکور نیز برای فراهم آوردن مبلغ مورد درخواست آدمربا، ناچار به فروش خانه‌ی خود به قیمت نازلی می‌شود. چنین فروشی اگر چه در نتیجه تهدید آدمربا بوده است، لیکن چون هدف مستقیم آدمربا، اخذ پول بوده است و نه فروش خانه، نمی‌توان این قرارداد را اکراهی و غیرنافذ دانست. لیکن این معامله بخاطر اینکه در حالت اضطرار و ناچاری فروشنده واقع شده است، معامله‌ی اضطراری نام دارد و کاملاً صحیح و معتبر می‌باشد. (مدنی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۰) با وجود این، گاه تشخیص مصادیق اکراه و اضطرار از یکدیگر بسیار دشوار و مورد اختلاف است.

شمول حکم ماده ۲۰۶ق.م بر آن جدا باید تردید کرد؛ مواردی است که فطر مقابل (متعامل) از موقعیت اضطراری و درماندگی مضطرّ سوء استفاده و بهره برداری ناروا می‌نماید و وضعیت اضطراری وسیله تهدید و فشار بر شخص مضطرّ قرار می‌گیرد و یا این که وضعیت اضطراری را همین شخص متعامل به وجود می‌آورد که قصد معامله با مضطرّ را دارد و به وسیله آن فشار لازم را برای تحمیل قراردادی ناعادلانه وارد می‌نماید. علت تردید این است که در اینجا صرف اضطرار مطرح نیست، بلکه در طرف دیگر قضیه، اراده نامشروع متعامل سودجو، تعهد گزافی وجود دارد که در قرارداد بر دوش مضطرّ نهاده شده است و او نه از سرِ رضا و رغبت، بلکه از روی ناچاری و درماندگی به آن تن داده است (عبدی پور، ۱۳۷۶: ۹۶).

حقوق در این موارد چه راه حلی را می‌تواند ارائه دهد تا ضمن حفظ اصول حقوقی و مصالح اجتماعی، از عدالت دور نشده و از مضطرّ و درمانده حمایت کافی به عمل آورده باشد؟ متأسفانه باید گفت در حقوق ما و پیشینه فقهی آن، کمتر به این نکته پرداخته شده و جز در برخی از نوشته‌های حقوقی، راه حلّ روشن و قاطعی به چشم نمی‌خورد و حتی خلاف روح عدالت خواهانه قوانین حقوقی، بعضی از نویسندگان در آثار خود به استناد ظاهر ماده ۲۰۶ق.م. در موردی هم که شخصی با سوء نیت، وضعیت اضطراری را برای مضطرّ ایجاد می‌نماید معامله را اضطراری و معتبر دانسته‌اند.

بند دوم: صحیح و معتبر بودن معامله اضطراری

فلسفه‌ی صحیح و معتبر بودن معاملات اضطراری، حمایت از شخص مضطر است. چرا که اگر معامله‌ی مضطربانند معامله‌ی مکره، غیرنافذ و بی‌اعتبار باشد، کسی حاضر به معامله کردن با مضطر نمی‌شود و در نتیجه حالت اضطرار و ناچاری او باقی می‌ماند، یا شدیدتر می‌شود و این به زیان شخص مضطر است. (شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۳)

از سوی دیگر، غالب مردم در زندگی، کم و بیش بر اثر اضطرار معاملاتی انجام می‌دهند. چه بسا آدمی، بر اثر نیازمندی یا فشار حوادث، ناچار به انعقاد قراردادهایی شود که نسبت به آن‌ها تمایل و رضای باطنی ندارد. اگر قانون‌گذار هر اضطراری را در معامله موثر و موجب عدم نفوذ آن بداند، چنان بی‌ثباتی در عرصه‌ی معاملات اجتماعی پدید می‌آید که ضرر آن به مراتب بیشتر از ضرری است که شاید شخص مضطر در این مقام ببیند. (صفایی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۴)

گفتار سوم: آثار حقوقی اضطرار در حقوق فرانسه

در قانون مدنی فرانسه بحثی از اضطرار به میان نیامده، لیکن این خلأ قانونی به وسیله دکتترین حقوقی و آرائی که توسط محاکم قضایی فرانسه صادر می‌شود جبران شده است. در دکتترین حقوقی، تفسیری که از مواد راجع به اکراه (ماده ۱۱۰۹ به بعد) شده است، اضطرار را در قرارداد مؤثر نمی‌داند ولی در مواردی که از اضطرار به عنوان اهرم فشار، استفاده نامشروع می‌شود مورد توجه خاصی است. در فرانسه گروهی از حقوقدانان معتقدند که قرارداد انعقاد یافته براساس اضطرار را می‌توان به وسیله فقدان اراده آزاد قابل ابطال دانست، زیرا تصور این که رضای ناشی از اضطرار سالم است، دشوار است. ممکن است برای توجیه بی‌اثر بودن اضطرار در عقد به مفهوم جزایی حقوق رمتوسل شد. بدین توضیح که اکراه در این نظام حقوقی جنبه جزایی داشته و مکره به خاطر اکراه مجازات می‌شده است شاید بی‌اثر دانستن معامله اضطراری به منظور جلوگیری از ضرر طرف معامله باشد، لذا کسانی که به عدم صحت عقد مضطر نظر دارند به قواعدی مثل دارا شدن غیر عادلانه، اداره اموال غایب و یا غبن برای جبران ضرر طرف غیر مضطر استناد می‌نمایند. در حقوق فرانسه، اضطرار نفوذ و صحت عقد را کاهش نمی‌دهد و هر چند قانون مدنی در هیچ ماده‌ای به اضطرار تصریح نکرده ولی با توجه به تفسیری که حقوقدانان فرانسه از ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی و مواد بعدی آن کشور ارائه می‌دهند، معلوم می‌شود که حالت اضطرار، اکراه یا عیب اراده محسوب نمی‌شود (هزاوه، ۱۳۵۴: ۷۵)؛ در حالی که در اکراه مادی، معامله باطل و در اکراه معنوی، معامله قابل ابطال است. بعضی از حقوقدانان کشور فرانسه به این نکته تصریح کرده‌اند که هرگاه بهره‌برداری و استفاده متعامل، همراه با آگاهی و سوء استفاده از شرایط خاص مضطر باشد در چنین وضعیت و اوضاع و احوال نمی‌توان مورد را از موارد اضطرار دانسته و عقد را صحیح تلقی نمود. بعضی دیگر نیز تعهد گزارف و نامتعادل مضطر را بر مبنای تعهد بدون علت یا استفاده بدون جهت غیر معتبر دانسته‌اند. محاکم فرانسه در مواردی همانند این که مساعدت کنندگان کشتی در حال غرق از موقعیت اضطراری سرنشینان آن سوء استفاده نموده و در ازاء یاری، تعهد گزارفی را به آنان تحمیل نموده‌اند، مورد را ملحق به اکراه دانسته‌اند و این نظر در قوانینی همانند قانون ۲۹ آوریل ۱۹۱۶ که در مورد کمک و نجات دریایی است مورد تأیید قرار گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۵۱۲/۱) و در قانون ۷ ژوئیه ۱۹۶۷ مربوط به حوادث بحری، در ماده ۱۵ آنمقرر شده است که قراردادهای منعقد در مورد کمک دریایی قابل بطلان هستند. در حقوق فرانسه با وجود این که رویه قضایی و دکتترین حقوقی در تفسیر مواد ۱۱۰۹ به بعد قانون مدنی این کشور

اضطرار راموثر در قرارداد ندانسته و اکراه به حساب نمی آورند، لیکن در موارد سوء استفاده از اضطرار گرایش بدین سمت است که آن را ملحق به اکراه نمایند. اولین و مهم ترین اظهارات نظر قضات فرانسوی در مورد مسأله اضطرار و تعهدات ناشی از آن رأی اصولی ۲۷ آوریل ۱۸۸۷ دیوان عالی کشور فرانسه می باشد که موضوع دعوی و خلاصه رأی بدین شرح است: در این دعوی، یک کشتی که در خطر غرق بوده است از کشتی دیگری استمداد می نماید. ناخدای کشتی نجات دهنده از موقعیت بحرانی و نا امید کننده کشتی در حال خطر بهره برداری نموده و با تحمیل قراردادی در ازاء مبلغ هجده هزار فرانک حاضر به نجات آن می شود. تلاش ناخدای کشتی در حال خطر برای کاهش این مبلغ گزاف به جایی نمی رسد و قرارداد منعقد می شود ولی شخص اخیر به محض رسیدن به مقصد با ادعای اضطرار تقاضای ابطال قرارداد منعقد را می نماید که این ادعا به وسیله دادگاه بدوی و دیوان عالی کشور پذیرفته می شود و برای خدمات انجام شده توسط کشتی نجات دهنده، مبلغ چهار هزار فرانک دستمزد یا غرامت تعیین می گردد. در رأی صادره علت ابطال قرارداد بدین نحو توجیه شده است. وقتی رضایت آزادانه نبوده و تحت تأثیر حالت ترس ناشی از یک خطر قابل ملاحظه و حال حاضر داده شده است قرارداد حاصل از آن متصف به ایرادی است که آن را قابل ابطال می نماید (غفوریان، ۱۳۶۰: ۱۳۷) در حقوق فرانسه که بعضی از قوانین کشور ما متأثر از آن است، با وجود این که رویه قضایی و دکترین حقوقی در تفسیر مواد ۱۱۰۹ به بعد ق.م. فرانسه اضطرار را مؤثر در قرارداد ندانسته و اکراه به حساب نمی آورند، ولی در موارد سوء استفاده از اضطرار گرایش بدان است که آن را ملحق به اکراه نمایند. از اینرو بعضی از نویسندگان حقوقی این کشور تصریح نموده اند که اگر بهره برداری متعامل، همراه با آگاهی و سوء استفاده از شرایط ویژه مضطر باشد، در چنین اوضاع و احوالی نمی توان مورد را از موارد اضطرار

دانسته و عقد را صحیح تلقی نمود (هزاوه، ۱۳۵۴: ۷۵).

محاکم فرانسه، در مواردی همانند این که مستعدت کنندگان کشتی در حال غرق از موقعیت اضطراری سرنشینان آن سوء استفاده نموده اند، مورد را ملحق به اکراه دانسته اند (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۵۲۹) و این نظر در قوانینی همانند قانون ۲۹ آوریل ۱۹۱۶ که در مورد کمک و نجات دریایی است، مورد تأیید قرار گرفته است (همان) و در ماده ۱۵ قانون ۷ ژوئیه ۱۹۶۷ مربوط به حوادث بحری مقرر شده است که قراردادهای منعقد در مورد کمک دریایی، قابل بطلان هستند (قره داغی، ۲۰۰۸: ۴۶۸). بعضی از مؤلفین حقوق فرانسه یزبرن مبنای تعهد بدون علت یا استفاده بدون جهت، تعهد گزاف و نامتعادل مضطر را غیر معتبر دانسته اند (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۵۳۰)

نتیجه گیری:

از آن جایی که ماده ۲۰۶ قانون مدنی معاملات اضطراری را صحیح دانسته است، بسیاری از متعاملین با آگاهی از وضعیت اضطراری و شرایط خاص مضطر، از این حالت سوءاستفاده کرده و وارد معامله با مضطر می شوند، در حقوق اکثر کشورهای متمدن مانند فرانسه، عقود مبتنی بر سوء استفاده از اضطرار را متمایز از معاملات اضطراری می دانند و برای آنها احکام جداگانه ای قائلند. در قانون کشور ما ماده ۱۷۹ قانون که از قانون کشور فرانسه اقتباس شده است، به این موضوع پرداخته و در اینگونه موارد برای مضطر حق تعدیل قرارداد را در نظر گرفته است. بر این اساس نظرات گوناگونی در باب معاملات مضطر در حالت سوء استفاده از اضطرار بیان گردیده است که در پنج نظر خلاصه می شود: ۱- صحت معامله ۲- صحت معامله با حق فسخ برای مضطر ۳- عدم نفوذ معامله ۴- تعدیل معامله ۵- بطلان معامله. که به نظر می رسد با توجه به تحقق رکن معنوی اکراه، عدم نفوذ معامله در این مورد با منطق حقوقی سازگارتر است.

طبق یک دیدگاه، سوء استفاده از وضعیت اضطرار طرف قرارداد هیچ تأثیری بر قرارداد ندارد و مطلق قرارداد اضطراری، اعم از این که از موقعیت مضطر سوء استفاده شده یا نشده باشد، نافذ است. این نظر نمی تواند مورد قبول قرار گیرد، زیرا مستند عمده آن، ماده ۲۰۶ قانون مدنی و تفاوت وضعیت اضطرار با اکراه است، در حالی که ماده مذکور ناظر بر معامله اضطراری صرف است و از آن برداشت نمی شود که قرارداد

مبتنی بر سوء استفاده از وضعیت اضطرار به طور مطلق صحیح و لازم است. نظریه دوم حاکی از نای است که قرارداد نافذ است، ولی کسی که از وضعیت اضطرار او سوء استفاده شده است حق فسخ دارد. این نظریه با قواعد عمومی قراردادها منطبق تر است، زیرا جبران یا پیشگیری از وقوع ضرر به زیان دیده قراردادی در حقوق ایران و فقه امامیه به وسیله جعل و اعطاء اختیار، امری مطابق قاعده است. مطابق نظریه سوم، مطلق فشار موجب عدم نفوذ معامله نمی گردد بلکه فشار وارده از جانب اشخاص است که موجب عدم نفوذ معامله می شود. این نظریه نیز نمی تواند با قواعد و اصول حقوقی حقوق ایران منطبق گردد زیرا در حقوق ایران قرارداد اکراهی و قرارداد اضطراری با هم تفاوت دارند و اجرای قرارداد اکراهی نمی تواند حقوق مضطر را تأمین نماید. نظریه چهارم به این بیان بود که سوء استفاده از وضعیت اضطرار موجب بطلان معامله می گردد. به نظر می رسد، این نظر با قواعد حقوق ایران سازگاری ندارد؛ چون تعادل قیمت عوضین در حقوق ایران شرط صحت قرارداد نیست. نظریه پنجم عبارت است از این که سوء استفاده از وضعیت اضطراری طرف قرارداد، موجب پیدایش حق ابطال یا تعدیل قرارداد برای مضطر می شود. انطباق این نظریه نیز با قواعد حاکم بر قراردادها مشکل است، زیرا حق ابطال قرارداد در حقوق مدنی وجود ندارد و حق تعدیل قرارداد نیز از لحاظ نظری، فاقد توجیه و دلیل محکم است. بدین ترتیب، از میان نظریات فوق، نظریه حق فسخ یا اختیار مضطر از سایر نظرات موجه تر می باشد.

در مجموع با مطالعه تطبیقی قاعده اضطرار در دو نظام حقوقی اسلام و حقوق فرانسه به دست می آید که علاوه بر اشتراکات این دو نظام، تفاوت هایی نیز میان آن دو وجود دارد. از جمله این که در حقوق فرانسه، مسئولیت صرفاً ناشی از تخلف نسبت به اجرای تعهدات می باشد و چون اضطرار از بین برنده ماهیت خلافکارانه عمل است، جبران خسارت ناشی از اضطرار، ضروری نیست؛ در حالی که در حقوق ایران، هر کس به دیگری آسیب رساند مسئول جبران خسارت وارده است. علاوه بر آن، در حقوق ایران که بر مبنای فقه و شریعت می باشد، اضطرار بر ماهیت عمل اثر نمی گذارد. تفاوت دیگر این که در حقوق فرانسه، اضطرار

و ضرورت باهم متفاوت هستند، حال آن که در حقوق ایران برخی این دو را یکی می دانند و برخی، ضرورت را وسیع تر از اضطرار و مواردی که مصالح و منافع حیاتی اسلام و جامعه اسلامی به خطر می افتد را نیز مشمول آن می دانند. همچنین در حقوق فرانسه، وجود خطر جانی، شرط اصلی است اما در حقوق ایران، ضرر مالی و حیثیتی را نیز در بر می گیرد. وجه تفاوت دیگر این که اگرچه در هر دو نظام، حالت اضطرار نباید ناشی از عمل مضطر باشد ولی در حقوق ایران اگر فعل، ناشی از سهو و عدم تقصیر فاعل باشد می تواند به اضطرار استناد کند ولی در حقوق فرانسه، اقدامات سهوی مستثنی نشده است.

منابع:

۱. اوبر، ژان لوک؛ دوتیول، فرانسه و کولار (تشخج)، حقوقتعه دات: قرارداد، ترجمه و تحقیق: مجید ادیب، تهران: میزان.
۲. امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۸۵)، حقوق تعه دات، تهران: میزان.
۳. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۲)، ضمانت اجرای حقوقی سوء استفاده از وضعی ت اضطراری طرف قرارداد، مجله حقوق خصوصی، ۴، ۴۶-۲۵.
۴. بهرامی احمدی، حمید؛ کلیات عقود و قراردادها، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶، چاپ ۲، ص ۶۷.
۵. مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق مدنی، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۳، چاپ ۱، جلد ۲، ص ۳۰۰.
۶. صفایی، سید حسین؛ قواعد عمومی قراردادها، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴، چاپ سوم، جلد دوم، ص ۱۰۴.
۷. پارسا پور، محمدباقر (۱۳۸۲)، اضطرار در حقوق مسئولیت مدنی، مجله نامه مفید، ۴۰، ۱۴۱-۱۵۸.
۸. پروین نبی، مهدی (۱۳۹۳)، بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از اضطرار، پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
۹. حائری شاه باغ، سید علی (۱۳۹۹)، شرح قانون مدنی، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۰. دانش نهاد، محمد؛ علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، مبانی قاعده اضطرار در مسئولیت مدنی اشخاص و دولت، جستارهای فقهی و اصولی، ۶، ۶۵-۹۷.
۱۱. شهیدی، مهدی (۱۳۹۷)، تشکیل قراردادها و تعه دات، ج ۱، تهران: مجد.
۱۲. شهیدی، مهدی (۱۴۰۰)، حقوق مدنی ۳، تهران: مجد.
۱۳. صفایی، سید حسین (۱۳۹۱)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، تهران: میزان.